درمکتب امام

تا اسم غرب می‌آید، خودتان را نبازید

اگر بخواهیم از این بیچارگی بیرون برویم، باید این وابستگی مغزی را کنار بگذاریم. باید دانشگاه‌های ما یک دانشگاه‌هایی باشد که تا مدتها زحمت بکشد، این جوانها را از آن حال سابق رژیم شاهنشاهی برگرداند به یک حال سالم رژیم اسلامی. باید زحمت بکشند. جوان‌های ما هم باید جدیت کنند در این معنا که خودشان را که گم کردند پیدا بکنند. تا اسم غرب می‌آید، خودشان را نبازند.

صحیفه امام؛ ج۱۲؛ ص۷ | قم؛ ۱۲ دی ۱۳۵۸

در آستانه دهمین سال آسمانی‌شدن حاج حسن شایانفر

نیمه پنهان کدام جریانات را آشکار کرد

دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان

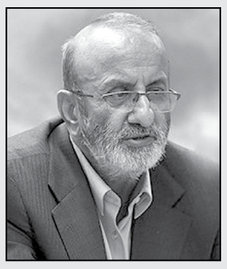

«... وقتی در دی‌ماه سال ۱۳۷۲ با حکم رهبر معظم انقلاب به کیهان آمدم، از مرحوم شایانفر برای همکاری دعوت کردم و ایشان مسئولیت مشاور فرهنگی و مدیریت دفتر پژوهش‌های مؤسسه را برعهده گرفت و قرار شد در دو جهت سلبی و ایجابی کار شود. یعنی مقابله با جریاناتی که در پوشش تاریخ‌نگاری و یا به بهانه خاطره‌گویی به تحریف تاریخ و معرفی واژگونه ارزش‌های اسلامی و انقلابی مشغول بودند و از دیگر سو، ارائه مستند برخی از واقعیت‌ها که می‌توانست برای نسل حاضر و نسل‌های بعدی راهگشا باشد...»

این جملات بخشی از یادداشت حاج حسین شریعتمداری درباره ماجرای ورود و خدمات شگفتِ حاج حسن شایانفر در کیهان بود. اینچنین فصلی نوین و پربار در این نشریه پرتیراژ و قدیمی گشوده شد. مرحوم شایانفر با برپایی دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان، به جمع‌آوری و تدوین همه دانسته‌ها و تجربیات سالیان سالش درباره دشمنان فرهنگی و سیاسی این سرزمین پرداخت که در آن دوران، پس از سال‌ها گریز از کشور، اینک سر برآورده بودند و تحت عنوان روشنفکر و نخبه و مغزهای سیاسی برای انجام پروژه استعماری دیگری باز می‌گشتند.

حاج حسن برای شناساندن این جریان مرموز و ظاهر فریب تاریخ معاصر ایران، علی‌رغم در اختیار نداشتن بسیاری از اسناد و مدارک و شواهد تاریخی اما با سعی و تلاش مستمر و خستگی‌ناپذیر و استفاده از منابع در دسترس و با به‌کارگیری هوش و استعداد وافر خود و همچنین تجارب و حافظه دقیقش، ابتدا ۵ جلد کتاب تحلیلی و جریان شناسانه همراه تصاویر و اسناد منحصر به فرد در مورد کلوب‌های روتاری (که در رژیم گذشته اغلب مراکز سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی کشور را در اختیار داشتند)، طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸ منتشر نمود که به دلیل استقبال فراوان و حیرت‌انگیز مخاطبان و علاقه‌مندان ناگفته‌های تاریخ معاصر، در اندک زمانی و در همان اولین سال‌های انتشار به چاپ‌های چهارم و پنجم رسید.

معماران تباهی

خودش در مقدمه‌ای بر نخستین جلد از مجموعه کتاب‌های «معماران تباهی» (سیمای کارگزاران کلوب‌های روتاری در ایران) که درواقع پیش درآمدی بر مجموعه کتاب‌های «نیمه پنهان» بود، چنین نوشت: «... آنچه در پیش رو دارید نخستین محصول تلاش «دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان» در عرصه بازشناسی نقش و سیمای واقعی عده‌ای از اعضای کلوب‌های روتاری در ایران است. عناصر و افرادی که از آبشخور غرب سیراب می‌شدند و با اینکه اکثرا صاحب عالی‌ترین مدارج دانشگاهی و علمی بودند، به دلیل آلودگی به فرهنگ «اومانیستی» غرب، کاری جز ضربه زدن به بنیان‌های دینی و اعتقادی مردم انجام ندادند...»

یادمان باشد که آن سال‌ها، دوران غوغای جریان مدعی اصلاحات بود که در کنار خود، طیفی از همین دست شبه روشنفکران و تحصیلکرده‌های وابسته به کانون‌های سلطه را وارد عرصه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه کرد و مرحوم حاج حسن با تشخیص دقیق ابعاد گسترده این فتنه و تهاجم، وظیفه اصلی خود و دفتر نوپای پژوهش‌های مؤسسه کیهان را در افشای این جریان به میدان آمده و تبارشناسی تاریخی آن و نتایج و دستاوردهایش تعریف کرد.

او به‌درستی جریان مدعی اصلاحات را خلف راستین دولت به اصطلاح سازندگی ارزیابی کرده و همچنان‌که معتقد بود آن دولت تحت عنوان بازگشت نخبگان، دروازه‌های کشور را برای فراریان ضد انقلاب و عناصر جریان نوماسونی و روتاریان‌های پوست عوض کرده، باز نمود، براین باور هم بود که مدعیان اصلاحات نیز دستگاه‌های قانون‌گذاری و اجرائی و اقتصادی و به‌خصوص حیطه‌های فرهنگی را در اختیار این گروه جدید معماران تباهی قرار داده و می‌دهد.

نیمه‌های پنهان آشکار شدند

از همین‌روی برای آنکه جامعه و به‌خصوص نسل جوان نسبت به ماهیت و اهداف این (به قول مرحوم جلال آل احمد) «لشکریان جرار استعمار» آگاه شود، حرکتی جهادی را در جهت نشر اسناد و مکتوبات افشاگر این مزدوران که به‌تدریج در گوشه‌های پنهان و آشکار مراکز تصمیم‌گیری نظام نفوذ می‌کردند، تحت عنوان مجموعه «نیمه پنهان» به‌راه انداخت. حاج حسن شایانفر در مقدمه اولین جلد مجموعه «نیمه پنهان» تحت عنوان «سیمای کارگزاران فرهنگ و سیاست» که در مهرماه ۱۳۷۸ منتشر شد نیز در این باره نوشت: «... «نیمه پنهان» در حقیقت ادامه «معماران تباهی» است. زیرا هر دو مجموعه به بررسی و کالبدشکافی یک موضوع، یعنی جریان روشنفکری وابسته در عرصه سیاست و فرهنگ می‌پردازد. جریانی که بنا به فرموده رهبر و مقتدای ما حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از ابتدا بیمار متولد شده است...» مرحوم شایانفر در توضیح خصوصیات و ویژگی‌های جریان فوق و مسیری که در طول تاریخ معاصر ایران طی کرده، این‌گونه اضافه نمود:

«... مطالعه جریان‌های فرهنگی و سیاسی ۱۵۰ سال اخیر ایران، این نکته را اثبات می‌کند که استعمار بیشترین بهره‌ها را عمدتا از همین عناصر دانشگاهی تحصیلکرده در غرب، برده است و با سازماندهی آنان در لژهای فراماسونی و کلوب‌های روتاری، از توان و انرژی آنها در جهت مطامع خود بهره‌برداری کرده و با توزیع آنان در حوزه‌های فرهنگ و اقتصاد و سیاست، جامعه ما را به سمت اهداف خود کشانده است...»

۶۰ جلد کتاب ماندگار

در جریان این حرکت جهادی، خودش بود و دو سه نفر دیگر همراهش و ایستادگی حاج حسین شریعتمداری به عنوان سرپرست مؤسسه در کنارش و علی‌رغم همه فشارها و توصیه‌ها و تهدیدها و تطمیع‌های ریز و درشت خصوصا از سوی برخی دوستان که روح و روان هر فردی را آزرده کرده و از ادامه کار خسته‌اش می‌کرد، اما حاج حسن شایانفر ایستاد. اگرچه کاری بسیار دشوار و طاقت‌فرسا بود اما ایستاد و مجموعه «نیمه پنهان» را در طی ۱۷ سال به ۶۰ جلد رساند و در طی آن مجلدات، تقریبا به تمام طیف‌های رنگ به رنگ و گوش به فرمان مستشاران غرب پرداخت و پته همه آنها را روی آب انداخت.

او دلیل این رویکرد را چنین بیان کرد: «... از آنجا که حضور این افراد و عناصر وابسته را به عنوان یک خطر بالقوه‌ای که به کجراهه کشیدن انقلاب را مدنظر دارد، ارزیابی می‌کنیم، به افشای برخی از آنها مبادرت کرده‌ایم تا با شناساندن سیمای واقعی آنان به مردم، از نفوذ بالفعل آنان در ارگان‌های کلیدی جامعه جلوگیری نماییم...»

مرحوم حاج حسن برای اولین بار به افشای این جریان رنگارنگ استعماری اقدام کرد و در مورد هر یک به انتشار یک یا چند کتاب ماندگار دست زد، کتاب‌هایی که ویژگی منحصر به فرد آنها، مستند بودن و ارائه مدارک و سندهای تردیدناپذیر برای هر روایت و حکایت و ماجرائی بود که در هر کدام از آنها مطرح می‌شد. علی‌رغم اینکه خود مرحوم حاج حسن حافظه عجیب و شگفتی درباره بسیاری از عناصر یاد شده داشت ولی شیوه‌اش این بود که تا اسناد مکتوب یا شفاهی قابل قبولی به‌دست نمی‌آورد، به افشای آنها نمی‌پرداخت. اما او بیش از هر کس دیگری آگاه بود که کتاب‌های مجموعه «نیمه پنهان»، نیاز به اسناد بیشتر و کامل شدن دارد. حاج حسن می‌گفت: «... دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان در حد بضاعت خود وارد این عرصه شده و به این نکته وقوف دارد که آنچه در این کتاب‌ها و مجلدات بعدی خواهد آمد، تمام واقعیت و ماجرا نیست. زیرا آنچه را که این دفتر درباره این افراد و عناصر مطرح ساخته، عمدتا از زبان خودشان و یا برگرفته از اسناد و مدارک مطبوعاتی و بسیار قلیل موجود در آرشیو روزنامه کیهان است و با استناد به این مدارک و مطالب اندک، هرگز نمی‌توان به تمام واقعیت و ماجراها دست یافت.»

اسناد را به کوهی از کاغذ باطله تبدیل نکنید

مرحوم شایانفر برای به‌دست آوردن اسنادی که می‌دانست وجود دارند ولی در اختیار مراکز و مؤسسات دیگر هستند، تلاش مجاهدانه‌ای به خرج داد و از هر راهی می‌شناخت و مقدور بود، وارد شد تا آن اسناد را به‌دست آورد و در همین مسیر، آرشیو نسبتا غنی از اسناد و مدارک تاریخی برای دفتر پژوهش‌های مؤسسه فراهم آورد اما آن را کافی نمی‌دانست.

آن مرحوم بر این باور بود، افشای اسنادی که ماهیت و اهداف و برنامه‌های نیروهای نفوذی و وابسته به بیگانه را برملا می‌کنند، موجب آگاه شدن مردم و به‌خصوص جوانان امروز شده و راه آن رخنه و نفوذ که اغلب به واسطه ناآگاهی صورت گرفته و می‌گیرد را سد خواهد کرد. از همین‌روی به طور جدی همیشه خواستار افشا و چاپ و انتشار این اسناد از سوی مراکز و سازمان‌های مختلف اسنادی کشور بود. حاج حسن در این باره نوشته است: «... مردم و به‌ویژه جوانان ما چشم به راهند که انتشار این‌گونه اسناد در دستور کار این سازمان‌ها قرار گیرد تا محققان عرصه تاریخ در روزگار ما، توانایی نگارش و تدوین و نشان دادن و ثبت گوشه‌هایی از ماجراها و چگونگی ستم‌هایی که بر این سرزمین رفته است را داشته باشند و این توقعی غیر اصولی نیست. این اسناد و مدارک باید در زمانه ما که شوق و همت برای بررسی و تحلیل آنها وجود دارد... منتشر شود و الّا افشای آنها در مثلا صد سال آینده، راه به جایی نخواهد برد و بسیاری از اسناد و مدارک را که در شرایط کنونی کاربرد دارند و می‌توانند در روشن کردن برخی از گوشه‌های تاریک، مفید و کارساز باشند، تبدیل به کوهی از کاغذ باطله خواهد کرد که حتی به کار موزه‌ها هم نخواهد خورد...»

بسیاری از کتاب‌های مجموعه «نیمه پنهان» نتیجه پژوهش و نوشتار خود حاج حسن بود و برخی دیگر را هم با استفاده از اسناد و مدارک مستند، تصحیح و بازنویسی کرده بود اما اهل اسم و رسم نبود و به جز ذیل تعدادی از مقدمه‌ها، نامش در هیچ کجای این کتاب‌ها دیده نمی‌شود.

میراث گرانقدری که مرحوم حاج حسن شایانفر در مجموعه «نیمه پنهان» برجای گذارد، در سال‌های بعد از فقدان او نیز تداوم یافت و کتاب‌های دیگری از آن مجموعه در همان مسیر و با همان چراغی که او برافروخته بود و می‌خواست خاموش نشود، چاپ و منتشر شد. کتاب‌هایی که بعضا تحقیقات و نوشتارش در زمان خود آن مرحوم انجام گرفته بود.

روزنامه صهیونیستی «معاریو» اعتراف کرد

ناتوانی اسرائیل در جبران ضربات موشکی ایران

سرویس سیاسی-

روزنامه صهیونیستی «معاریو» اخیراً طی گزارشی با اشاره به آثار باقی‌مانده از موشک‌های ایرانی و کوتاهی در امر بازسازی نوشت: برج‌های عظیم مرکز شهر تل‌آویو که در جنگ مورد اصابت قرار گرفته و آسیب دیده بودند، همچنان به همان شکل هستند و هیچ خبری از ترمیم آنها وجود ندارد.

جنگ ۱۲ روزه - پس از شلیک آخرین موشک از سوی ایران - در حالی پایان یافت که آثار ویرانی در مناطق اشغالی به وفور مشاهده می‌شد و می‌شود.

«آفیخای ادرعی»، سخنگوی ارتش رژیم صهیونیستی در طول جنگ با اشاره به عدم رهگیری موشک‌های ایرانی و بی‌دفاعی ساکنین در مقابل حملا ت ایران اذعان کرد: پدافندهای ما مستحکم نیستند.

عدم توانمندی در رهگیری موشک‌ها، خسارات بسیاری را به رژیم جعلی صهیونی تحمیل کرد تا جایی که «ایهود اولمرت»، نخست‌وزیر پیشین رژیم صهیونیستی در بحبوحه جنگ و پس از پاسخ کوبنده ایران به ماجراجویی رژیم صهیونیستی طی مصاحبه با شبکه «بی.بی.سی» ضمن بیان اینکه «شکست ایران ممکن نیست» گفت: اگر نتانیاهو واقعاً خردمند، شجاع و مسئول باشد، باید اکنون جنگ را متوقف کند. با گذشت ۵ ماه از زمان اتمام جنگ، روزنامه صهیونی معاریو طی گزارشی از ویرانی‌های به‌جا مانده در تل‌آویو و عدم پیشرفت در بازسازی مناطق آسیب دیده خبر داد.

به گزارش تسنیم، روزنامه صهیونیستی معاریو در رابطه با آخرین شرایط ویرانی‌های به‌جا مانده از جنگ ۱۲روزه در مرکز تل‌آویو آورده است: برج‌های عظیم مرکز شهر تل‌آویو که در جنگ مورد اصابت قرار گرفته و آسیب دیده بودند، همچنان به همان شکل هستند و هیچ خبری از ترمیم آنها وجود ندارد.

در ادامه گزارش معاریو همچنین اشاره شد: دو برج که (در جریان جنگ ۱۲روزه) به‌شدت بر اثر حملات موشکی ایران آسیب دیده‌اند، همچنان ویرانی‌های خود را به رخ عابران می‌کشند؛ این دو برج که از خیابان «ژابوتینسکی» در «رامات گان» و خیابان «لئوناردو داوینچی» در تل‌آویو قابل مشاهده هستند هنوز فاصل زیادی با بازسازی و بازگشت به شرایط عادی دارند؛ خسارات واردشده به این دو برج به‌شدت گسترده است و هنوز هم پس از گذشت ماه‌ها همچنان قابل مشاهده است و کار مرمت جامع هنوز آغاز نشده است.

این رسانه صهیونیستی همچنین افزود: قرار است پس از تأمین بودجه لازم از طریق اداره مالیات بر دارایی، تعمیرات آن آغاز شود و احتمالاً این بازسازی چندین ماه طول بکشد؛ در برج خیابان ژابوتینسکی در رامات گان، برخی از مستأجران هنوز وسایل سنگین را از آپارتمان‌های خود خارج نکرده‌اند (چون امکان انجام این کار وجود ندارد).

یک مستأجر در طبقه بیست‌ویکم برج ژابوتینسکی در مصاحبه با معاریو گفت: «من فقط توانستم وسایلی را که در کوله‌پشتی جا می‌شد، خارج کنم، نتوانستم وسایل سنگین مانند کمد و مبلمان را ببرم و آنها در آپارتمان باقی ماندند».

وی اضافه کرد: «من یک آپارتمان دیگر اجاره کردم و فکر نمی‌کنم به برج برگردم، هنوز امیدوارم که بتوانم وسایل سنگین را خارج کنم».

این رسانه عبری‌زبان همچنین با اشاره به بار مالی و هزینه بازسازی برج‌ها آسیب دیده آورده است: آوار از مجتمع پاک‌سازی شده است، اما کار مرمت هنوز آغاز نشده است، برنامه‌های ساختمانی برای تعمیر ساختمان آسیب‌دیده تدوین شده است، اما تا زمانی که بودجه مالیات بر دارایی تأمین نشود، نمی‌توان آنها را اجرا کرد (به‌بیانی دیگر، طرح بازسازی تصویب شده است اما بودجه‌ای برای انجام آن وجود ندارد). با توجه به هزینه مالی گزاف، که حداقل ده‌ها میلیون شیکل تخمین زده می‌شود، اداره مالیات املاک توضیح داد که پیشنهادها بررسی خواهند شد و سپس در مورد تأمین بودجه این پروژه تصمیم‌گیری خواهد شد.

معاریو در ادامه تشریح کرد: از آنجا که این برج‌ها، چه در رامات گان و چه در تل‌آویو، بسیار بلند هستند، تصمیم گرفته شد که آنها تخریب و بازسازی نشوند. یک نهاد رسمی بودجه مرمت جامع ساختمان‌ها را تأمین خواهد کرد که می‌تواند ده‌ها میلیون شیکل برای هر برج هزینه داشته باشد. اداره مالیات املاک، که بخشی از اداره مالیات است، بودجه را تأمین خواهد کرد، زیرا پیش از این هزاران درخواست مربوط به درجات مختلف خسارت به ساختمان‌ها در طول جنگ را رسیدگی کرده است.

اداره مالیات در پاسخ به معاریو اعتراف کرد: «برج‌های ژابوتینسکی و داوینچی آسیب قابل‌توجهی و حتی جدی دیده‌اند، بنابراین، روند انتخاب بهترین پیشنهاد پیامدهای مالی گسترده‌ای دارد». این نهاد افزود: «ما در حال بررسی چندین پیشنهاد هستیم و به‌زودی تصمیمی گرفته خواهد شد و پس از آن کار مرمت آغاز خواهد شد. جمع‌آوری آوار در برج‌های ژابوتینسکی در زمان حاضر در حال انجام است». در پاسخ اداره مالیات همچنین آمده است: «از روزی که ساکنان دو ساختمان پس از خسارت از هتل‌هایی که در آنها اقامت داشتند تخلیه شدند، به مدت یک سال مسکن جایگزین در اختیارشان قرار گرفت». گفتنی است این اطلاعات در حالی منتشر می‌شود که رسانه‌های عبری‌زبان همچنان اجازه انتشار اطلاعات کامل خسارات و تلفاتی را که در این جنگ به رژیم صهیونیستی وارد شده است، ندارند.

افسر سابق شاباک:
افراد مرتبط با دستگاه اطلاعاتی ایران هزینه‌های جدی به اسرائیل وارد کرده‌اند

شدت حملات ایران و اهمیت اهداف تخریب‌شده و دقت مختصات مورد اصابت موجب شد تا نیروهای امنیتی رژیم به شکاف و باگ اطلاعاتی موجود در سرزمین‌های اشغالی اعتراف و ضمن پذیرش اشراف اطلاعاتی ایران، مسئله جاسوسی در سرزمین‌های اشغالی را به شکل ویژه‌تری پیگیری کنند.

به عنوان نمونه، کانال ۱۴ اسرائیل با اشاره به بازداشت یک صهیونیست ۲۷ ساله به نام «شمعون ازرزر» به اتهام جاسوسی برای ایران اعلام کرد: جاسوسان، اسناد طبقه‌بندی شده پایگاه‌های هوائی «رامات داوید» را به ایران منتقل کرده‌اند.

پیش از این، سازمان امنیت داخلی رژیم صهیونیستی و پلیس این رژیم، در اطلاعیه‌ای مشترک مدعی شده بودند که فردی به نام شمعون ازرزر را به اتهام همکاری با ایران دستگیر کرده‌اند که بیش از یک سال در ارتباط مستقیم با مأموران اطلاعاتی ایران قرار داشته است.

افسر سابق شاباک «میشا کوبی» با اشاره به این پرونده گفت: در گذشته جاسوسان در اسرائیل با انگیزه‌های ملی‌گرایانه فعالیت می‌کردند (عرب بودند) و به سرعت کشف و بازداشت می‌شدند، اما اکنون دیگر این‌گونه نیست و «امروزه این افراد می‌توانند تا یک سال و حتی دو سال بدون این که لو بروند، فعالیت کنند.»

کوبی افزود: این افراد هزینه‌های جدی به رژیم صهیونیستی وارد کرده و «در چندین پرونده خسارت‌های جدی رخ داده، خسارت‌هایی شدید و حتی جانی».

دستگاه‌های امنیتی رژیم صهیونیستی مدعی شدند شمعون ازرزر اطلاعاتی شامل عکس‌ها، مختصات و داده‌های مربوط به تأسیسات حساس در سراسر اراضی اشغالی را برای طرف ایرانی ارسال کرده بود.

کیهان بررسی کرد

شکست حمله آمریکا، دلیل بی‌تابی ترامپ برای مذاکره است

سرویس سیاسی-

ترامپ با تکیه بر روایت‌سازی و دروغ‌های تکراری، می‌کوشد شکست آمریکا در نابودی توان هسته‌ای ایران را لاپوشانی کند، غافل از اینکه تهران هرگز زیر بار مذاکره تحمیلی نخواهد رفت.

دونالد ترامپ دوباره بازگشته است؛ اما نه با چهره یک رئیس‌جمهور مقتدر یا یک سیاستمدار حسابگر، بلکه با سیمای فردی که میان شکست‌های راهبردی و تناقض‌های آشکار، گرفتار دست‌وپا زدن‌های تبلیغاتی شده و برای پوشاندن ناکامی‌های خود، به دروغ متوسل می‌شود. او که سه‌شنبه‌شب در کاخ سفید در کنار بن‌سلمان ولیعهد عربستان نشسته بود، مجموعه‌ای از ادعاهای نخ‌نما و بی‌پایه را تکرار کرد و تلاش نمود با ساختن یک نمایش تبلیغاتی جدید، هم شکست آمریکا در نابودی توان هسته‌ای ایران را بپوشاند و هم با طرح دروغ‌های تازه، فضای روانی بین‌المللی را علیه ایران تحریک کند.

به گزارش ایرنا، ترامپ در این دیدار مدعی شد: «فکر می‌کنم ما کار بزرگی در نابودی ظرفیت هسته‌ای ایران انجام داده‌ایم. نباید به ایران اجازه داشتن سلاح هسته‌ای داده شود. ایرانی‌ها می‌خواهند به توافق برسند، حتی اگر این را نگویند!» این جملات نه یک موضع دیپلماتیک، نه یک تحلیل امنیتی و نه حتی یک دروغ معمول سیاسی است؛ بلکه نوعی عملیات روانی حساب‌شده است که هدف آن مخدوش کردن واقعیت و ساختن یک روایت جعلی از «تمایل ایران به مذاکره» است. ترامپ دقیقاً در لحظه‌ای چنین ادعاهایی را مطرح می‌کند که هنوز گزارش‌های سرویس‌های اطلاعاتی خود آمریکا درباره تشکیک در موفق بودن حملات به سه سایت هسته‌ای فردو، نطنز و اصفهان کاملاً زنده و محل بحث است. تکرار مداوم این حملات و اشاره بی‌وقفه او به آنها در ماه‌های اخیر ثابت می‌کند که بیش از آنکه بخواهد پیروزی را یادآوری کند، در حال اعتراف به شکست آن عملیات است.

تناقض اصلی از همین‌جا آغاز می‌شود: رئیس‌جمهوری که مدعی «نابودی توان غنی‌سازی ایران» است، چگونه می‌تواند در همان گفت‌وگو اصرار کند که «ایران مشتاق توافق و مذاکره است»؟! اگر واقعاً توان هسته‌ای ایران نابود شده باشد، دیگر چه نیازی به مذاکره؟ و اگر چنین نشده است، پس چرا ترامپ با این شدت و بی‌قراری به دنبال گفت‌وگو است؟ پاسخ روشن است: زیرا آن حملات گرچه خسارت‌های سنگینی را بر تاسیسات هسته‌ای وارد ساخته است ولی در نابودی توان و زنجیره هسته‌ای کشور شکست خورده و آمریکا بیش از همیشه نیازمند مذاکره است.

سیاست تکراری و شکست‌خورده ترامپ بازگشت به همان مسیر غلط اما با تندروهای بیشتر

ترامپ در دور دوم ریاست‌جمهوری خود، همان مسیری را دنبال می‌کند که در دوره نخست طی کرد؛ مسیری که شکست آن برای جهانیان آشکار شده است. او باز هم به تحریم، تهدید، فشار حداکثری و عملیات روانی متوسل شده و تصور می‌کند می‌تواند ایران را پای میز مذاکره‌ای بنشاند که در حقیقت چیزی جز «میز تسلیم» نیست. تفاوت امروز با سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ این است که ترامپ اکنون اطراف خود را با افراد تندروتر، بی‌ثبات‌تر و افراطی‌تر بیشتری نسبه به دور اول پر کرده و همین موضوع باعث شده سیاست‌هایش از گذشته نیز غیرعقلانی‌تر و پرخطرتر باشد.

در دوره نخست، او با ترور ناجوانمردانه شهید سردار سلیمانی، اعمال سنگین‌ترین تحریم‌های تاریخ و تلاش برای ایجاد فروپاشی اقتصادی در ایران گمان می‌کرد که می‌تواند جمهوری اسلامی را مجبور به مذاکره یک‌طرفه کند. اما با وجود همه ضعف‌های مدیریتی دولت روحانی و تنگناهای اقتصادی آن سال‌ها، نتیجه کاملاً بر خلاف تصور او رقم خورد و ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی نشان داد که به هیچ مذاکره تحمیلی و تسلیم‌گونه‌ای تن نخواهد داد. اکنون، همان ترامپ با همان تفکر اما با تکیه بر حلقه‌ای افراطی‌تر بازگشته است؛ گویی درس نگرفته و همان خطاها را با حجم و شدت بیشتر تکرار می‌کند.

خیانت آشکار آمریکا در میانه مذاکرات اعتراف به نقش مستقیم در جنگ ۱۲ روزه

ترامپ و دستگاه سیاست خارجی آمریکا فراموش کرده‌اند که تنها چند ماه از یکی از بزرگ‌ترین رسوایی‌های دیپلماتیک آنها نگذشته است. درست در زمانی که ایران با حسن نیت چندباره وارد مسیر گفت‌وگوهای غیرمستقیم شده بود و تلاش داشت در چارچوب دیپلماسی تعهد خود به مسیر حل و فصل اختلافات را نشان دهد، آمریکا در اقدامی کاملاً خصمانه به تاسیسات هسته‌ای ایران حمله کرد و بعداً نیز با وقاحت، نقش مستقیم خود را در آغاز و هدایت جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه ایران اعلام نمود.

این رسوایی بزرگ، یک پیام روشن دارد: آمریکا نه شریک مذاکره، بلکه خائن به مذاکره بود. هیچ کشوری در جهان، در حالی که طرف مقابلش در حال صلح و گفت‌وگوست، ناگهان به او حمله نمی‌کند. و پس از چنین خیانتی، انتظار ادامه مذاکره سطحی از وقاحت است که تنها از واشنگتن ترامپ برمی‌آید. دولتمردان ایران به‌خوبی می‌دانند که هر مذاکره‌ای در چنین شرایطی، نه راه‌حل که دام است؛ دامی برای مشروعیت‌بخشی به تجاوزی که آمریکا خود به آن اعتراف کرده است.

ترامپ می‌داند ایران مذاکره نمی‌کند پس چرا دروغ می‌گوید؟

بیشتر از آنکه سخنان ترامپ بازگوکننده واقعیت باشد، نشان‌دهنده یک تلاش ناامیدانه برای وارونه‌سازی واقعیت است. او بهتر از هر کس می‌داند که جمهوری اسلامی ایران، به‌خصوص پس از جنگ ۱۲ روزه و با تعهدی که نسبت به خون شهدای این جنایت دارد، هرگز حاضر به مذاکره با فردی بی‌ثبات، غیرقابل اعتماد و دیوانه‌وار همچون او نخواهد شد. تیم سیاست خارجی دولت فعلی نیز با تحلیل دقیق شرایط و با درک این واقعیت که مذاکره در چنین وضعیتی تهدیدی برای امنیت و منافع ملی است، اساساً چنین گزینه‌ای را روی میز نمی‌بینند.

اما ترامپ دروغ «تمایل ایران به توافق» را تکرار می‌کند تا ایران را در چشم افکار عمومی جهان در جایگاه «طرف نیازمند مذاکره» قرار دهد. این بخشی از جنگ روانی کاخ سفید است؛ جنگی که هدف آن فریب افکار عمومی و ایجاد فشار سیاسی علیه کشورمان است. با این حال، او گرفتار همان جنون سیاسی همیشگی است و نمی‌فهمد که امروز افکار عمومی جهان به‌خوبی آگاه است که آمریکا، نه ایران، مذاکره را نقض و در میانه گفت‌وگو اقدام به حمله کرده است.

این دروغ ترامپ به حدی دور از واقعیت بود که لارنس نورمن: خبرنگار وال استریت ژورنال که در طی ماه‌های اخیر از مهم‌ترین چهره‌های خبری رسانه‌ای در خصوص مسئله هسته‌ای به شمار می‌آید، در یادداشتی در شبکه اجتماعی ایکس سخن ترامپ را در زمان فعلی دانست و اظهار داشت اکنون مذاکره‌ای در جریان نیست.

در همین خصوص اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه نیز در پاسخ به سؤال خبرنگاران درباره ادعای دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا درباره مذاکره با ایران، گفت: در حال حاضر هیچ فرآیند مذاکراتی بین ایران و آمریکا وجود ندارد.

خدمت بی‌قید و شرط به اسرائیل سقوط کامل هنر معامله‌گری ترامپ

ترامپ در تبلیغات انتخاباتی خود ادعا می‌کرد یک «معامله‌گر حرفه‌ای» است، کسی که هیچ‌کس و هیچ تعهدی را فدای دیگری نمی‌کند و تنها به سود آمریکا می‌اندیشد. اما واقعیت عرصه سیاست خارجی نشان داده که این ادعا چیزی جز یک شعار توخالی نیست. او تحت فشار شدید صهیونیست‌های مسیحی، اوانجلیست‌ها و دیگر گروه‌های متعهد به لابی اسرائیل، در عمل به خدمتکاری سیاسی برای نتانیاهو تبدیل شده است؛ شخصی که امروز حتی در میان غربی‌ها نیز به عنوان جنایتکارترین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی شناخته می‌شود.

رفتار ترامپ در قبال اسرائیل کاملاً برخلاف اصول معامله‌گری است. در موضوع اوکراین، او با دقت محاسبه می‌کند، زلنسکی را تحت فشار قرار می‌دهد و امتیازگیری می‌کند، اما در موضوع اسرائیل، حتی بدون کوچک‌ترین محاسبه هزینه-فایده، هر خدمتی که لازم باشد ارائه می‌دهد؛ آن هم به رژیمی که اکنون منفورترین در جهان است. این رفتارهای غیرعقلانی حتی از سوی چهره‌هایی مانند تاکر کارلسون که زمانی از حامیان اصلی او در برابر دموکرات‌ها بودند، مورد انتقاد قرار گرفته است.

۲۲ سال تجربه مذاکرات و یک نتیجه روشن برای ایران

برای جمهوری اسلامی ایران، تصمیم درباره مذاکره با آمریکا نه موضوعی احساسی است و نه یک واکنش مقطعی؛ بلکه نتیجه یک تجربه طولانی، پرفرازونشیب و کاملاً روشن است. طی بیست‌ودو سال اخیر، از اوایل دهه ۸۰ تا امروز، ایران انواع فشارهای آمریکا را تجربه کرده است: تحریم‌های گسترده و بی‌سابقه، ترور دانشمندان، خرابکاری‌های پی‌درپی در تأسیسات هسته‌ای، حملات نظامی و در نهایت جنگ ۱۲ روزه. با این حال، نتیجه همه این فشارها یک چیز بوده است: ایران امروز قوی‌تر، مستقل‌تر و با تجربه‌تر از گذشته ایستاده است.

ایران برخلاف کره شمالی به سمت ساخت سلاح هسته‌ای نرفت، ۲۲ سال مذاکره کرد، چندبار توافق کرد و به تعهدات خود عمل کرد ولی در عمل فشارهای تحمیلی از تحریم، تهدید، ترور، خرابکاری و نهایتا جنگ حتی از فشارهای غرب بر کره شمالی نیز بیشتر بود.

همین تجربه طولانی باعث شده دولتمردان و کارگزاران سیاست خارجی کشور به‌خوبی بدانند که هرگونه مذاکره با آمریکا و به‌طور خاص آمریکای ترامپ در شرایط فعلی، نه یک فرصت که خیانت به منافع ملی و خون شهدای جنگ ۱۲ روزه خواهد بود. ایران، بر اساس عقلانیت و عزت ملی، به هیچ‌وجه وارد مذاکره‌ای نمی‌شود که طرف مقابل آن، همان کسی است که در میانه گفت‌وگو دست به حمله زده و بعد آن را با وقاحت اعلام کرده است.

ترامپ تلاش می‌کند دروغ «تمایل ایران به توافق» را جا بیندازد تا شکست‌های خود را بپوشاند و بحران‌های داخلی و خارجی آمریکا را به حاشیه ببرد. اما حقیقت این است که جمهوری اسلامی ایران امروز در موقعیتی از قدرت، ثبات و بازدارندگی قرار دارد که نه نیازمند چنین مذاکراتی است و نه حاضر است امنیت کشور را بازیچه جاه‌طلبی‌های یک فرد بی‌ثبات در کاخ سفید کند. ایران مذاکره نمی‌کند؛ زیرا قدرتمند است؛ زیرا تجربه دارد؛ زیرا خیانت آمریکا را دیده است و زیرا خون شهدای جنگ ۱۲ روزه بر زمین مانده و هرگونه مذاکره با عاملان آن جنایت، خیانتی است نابخشودنی. ترامپ می‌خواهد با جنگ روانی حقیقت را پنهان کند، اما واقعیت روشن است: این آمریکا بود که از مذاکرات گریخت و به ایران حمله کرد، و این ایران بود که با صلابت و صداقت ایستاد و جهان امروز این حقیقت را می‌داند.

بقایی: پیام پزشکیان به ولیعهد عربستان محتوای دوجانبه داشت

سخنگوی وزارت امور خارجه با اعلام اینکه پیام رئیس‌جمهور به ولیعهد عربستان محتوای دوجانبه داشته، درباره ادعای ترامپ گفت: در حال حاضر هیچ فرآیند مذاکراتی بین ایران و آمریکا وجود ندارد.

سخنگوی دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران روز چهارشنبه ۲۸ آبان‌ماه به ادعای دونالد ترامپ درباره مذاکره با ایران واکنش نشان داد.

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا دیروز سه‌شنبه ۲۷ آبان‌ماه در دیدار محمد بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی باز هم ادعاهای سابق خود را تکرار کرد و گفت که ایران به‌شدت به دنبال دستیابی به توافق است.

به گزارش فارس، در همین خصوص اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت امور خارجه روز چهارشنبه در پاسخ به سؤال خبرنگاران درباره ادعای دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا درباره مذاکره با ایران، گفت: در حال حاضر هیچ فرآیند مذاکراتی بین ایران و آمریکا وجود ندارد.

مذاکره با طرفی که به دنبال دیکته کردن است توجیه منطقی ندارد

سخنگوی وزارت امور خارجه با اشاره به سابقه بدعهدی‌ها و زیاده‌خواهی‌های مکرر آمریکا، تصریح کرد: همان‌طور که وزیر امور خارجه نیز بارها تأکید کرده‌اند مذاکره با طرفی که قائل به دوسویه بودن امر م